



دشوار فعالیت می‌کرد، اما با وجود سختی‌های فراوان به جنگ چالش‌ها و دشواری‌ها رفت و با توان و تحمل فوق‌العاده توانست جایگاه بلندی در میان پیشگامان عرصه پژوهش و دانش نسخه‌های خطی در مصر و جهان عرب پیدا کند.

فؤاد سید به دلیل فقر مجبور بود کار کند و به همین دلیل نتوانست به‌موقع درس بخواند و آموزش‌های رسمی را بگذراند؛ اما پس از آن که شرایط کاری و زندگی اش کمی بهبود یافت، کوشش برای کسب دانش را ادامه داد. همین امر او را از کارگری در دفتر نشر «دارالکتب المصریه» در شهر قاهره، به کارشناس نسخه‌های خطی تبدیل کرد. در این شرایط و در حالی که ۲۷ سال داشت، موفق به کسب گواهی نامه پایان دوره ابتدایی شد.

در واقع او برای ارتقاء از طبقه کارگر به طبقه کارمند راهی جز گرفتن این گواهی نامه نداشت؛ با این حال آرزوهایش فراتر از این بود. او وارد مدرسه «برلیتس» شد تا زبان فرانسوی را بیاموزد و بتواند آثار و نوشته‌های خاورشناسان فرانسوی را بخواند و پیش‌گفتارهایی را که معمولاً به آن زبان بر آثار خود می‌نوشتند در یابد و دیدگاه‌ها و نظراتی را که در هامش صفحات این کتاب‌ها طرح می‌کردند، درک کند. افزون بر آن، روحیه مداومت و پشتکاری که در عمق جانش بود و اشتیاقی که به میراث عربی (منابع دوره اسلامی) و عناصر ارزشمند و رازهای سر به مهر آن داشت، او را در ادامه این راه مصمم‌تر می‌کرد.

فؤاد سید به دلیل کار و تخصصی که داشت، نامه‌های فراوانی از سراسر جهان دریافت می‌کرد و از او درباره مسائل میراث و دغدغه‌های مرتبط با آن و محل نگهداری نسخ مختلف خطی پرسش و نظرخواهی می‌شد. دانش و توان او در این زمینه از او یک «فهرست سخنگو» ساخته بود. این توصیفی است که محمد عبدالجواد مؤلف کتاب تقویم دارالعلوم درباره او به کار برده است. او همچنین نقش بسیار مهمی در مؤسسه نسخه‌های خطی، وابسته به اتحادیه عرب،

فؤاد سید

عالم و متخصص نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی

به مناسبت یکصدمین سال تولد او

ابوالحسن جمال* (قاهره)

ترجمه: اکبر ایرانی

بیستم اکتبر ۲۰۱۶ م یکصدمین سالروز تولد فؤاد سید، عالم و متخصص پرآوازه نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی، پدر دکتر ایمن فؤاد سید^۱ است. این مرد خودساخته در شرایطی بسیار

* زاده نوزدهم جولای ۱۹۷۶ م در مصر، فارغ‌التحصیل رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه المنیا (مصر)، پژوهشگر تاریخ و ادبیات. جمال با تعدادی از مجلات مصری همکاری داشته است، از جمله: اخبارالیوم، صوت‌الزهر، المصریون، الزمان و القاهره؛ همچنین نوشته‌هایی در بسیاری از مجلات ادبی و فرهنگی مصر و دیگر کشورهای عربی زبان منتشر کرده است، از جمله: العربی، المساء، القاهره، الأخبار، الهلال، الوعی الإسلامي، رابطة أدباء الشام و... او افزون بر این مؤلفاتی هم دارد، که از آن جمله‌اند ماڈن من بشر، أعلام معاصرون (مصر، دارالبشیر، ۲۰۱۶ م) و علی شاطی، المجد، أبحاث مهداة الی د. حامی القاعود بمناسبة سن السبعین (مصر، دارالنابعة، ۲۰۱۶ م).

۱. زاده سوم دسامبر ۱۹۴۹ م در مصر، فارغ‌التحصیل دوره دکتری دولتی رشته ادبیات از دانشگاه سوربون (پاریس)، استاد دانشگاه‌های مصر و متخصص تاریخ و تمدن عرب. او استاد تاریخ اسلام در دانشگاه الأزهر بود و در کتابخانه ملی مصر سمت مدیریتی داشت و برای مدتی هم امین کتابخانه مؤسسه باستان‌شناسی فرانسه در قاهره (مدتی هم مؤسسه باستان‌شناسی هلند در قاهره) بود. از تألیف‌ها و تصحیح‌های متعدد او، می‌توان به این موارد اشاره کرد: المواعظ و الإعتبار فی ذکر الخطط و الآثار از مقریزی (لندن، مؤسسه الفرقان، ۲۰۰۳ م)، الروضة البهیة الزاهرة فی خطط المعزیة القاهرة از ابن عبدالظاهر (بیروت، اوراق شرقیة، ۱۹۹۶ م)، نزهة المقلتین فی أخبار الدولتین از ابن الطویر القیسرانی (بیروت، المعهد الالمانی للأبحاث الشرقیة، ۱۹۹۶ م)، مسالک الأیصار فی ممالک الأمصار از ابن فضل الله العمری (ممالک مصر، شام، حجاز و یمن؛ قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، ۱۹۸۵ م)، الدولة الفاطمیة فی مصر (قاهره، الدار المصریة اللبنانیة، ۱۹۹۲-۲۰۰۰ م)، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الإسلامی (قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، ۱۹۷۴ م).

بسیار زود هنگام بود. به همین دلیل بود که دوران تحصیل را تنها تا مرحله خواندن و نوشتن ادامه داد و بدون این که گواهی نامه پایان دوره ابتدایی را بگیرد، مدرسه اش «عبدالباقی الشوریجی» در خیابان جامع البنات را رها کرد. بعد از چهار سال تحصیل در آن مدرسه، به دلیل تنگدستی، ناچار وارد بازار کار شد تا بتواند خرج مادرش را بدهد. او در یک چاپخانه کوچک در نزدیکی دارالکتب مصر در محله باب الخلق مشغول به کار شد. این محله که غرق در کتابخانه‌های مختلف است و از آن عطر و بوی کتاب و نوشته به مشام می‌رسد، موجب شکل گرفتن روح و ضمیر فؤاد سید و تغییر مسیر زندگی او شد، آن هم در شرایطی که زندگی اش پر از دشواری بود، حتی دشوارتر از شرایطی که «عباس محمود العقاد» با آن مواجه شده بود؛ در حالی که العقاد کسی است که سرگذشتش از نظر میزان تحمل سختی‌ها و خودساختگی به ضرب‌المثل تبدیل شده است. فؤاد سید چنانکه گفتیم حتی نتوانست تحصیلات ابتدایی اش را تمام کند، در حالی که العقاد موفق شد گواهی نامه پایان تحصیلات ابتدایی را بگیرد و سپس وارد مطبوعات شود. ورود به عرصه مطبوعات و تشویق او به مطالعه، به آسان‌تر شدن شرایط مادی زندگی اش منجر شد، در حالی که فؤاد سید شرایط متفاوتی داشت. او مبارزه برای پیشرفت را از صفر شروع کرد و گام به گام ادامه داد و دشواری‌های این مسیر را چشید تا سرانجام به برجسته‌ترین متخصص فهرست‌نویسی و نسخ خطی تبدیل شد.^۲

وی در سال ۱۹۲۹ در حالی که کودکی بیش نبود، به عنوان کارگر حروف‌چین در چاپخانه انتشارات «دارالکتب» مشغول به کار شد. یک سال بعد به مخزن کتابخانه «التیموریه» رفت و در آنجا بود که مورد توجه دکتر «منصور بک فهمی» مدیر دارالکتب قرار گرفت. این زمانی بود که مدیر انتشارات مقاله‌ای از فؤاد را که در روزنامه «الاهرام» درباره کتابخانه‌های جهان اسلام منتشر شده بود، خواند. این امر سبب شد وی را در سال ۱۹۳۷ م به بخش فهرست‌های عربی منتقل کند.

کنجکاوی فؤاد سید سبب شد سر از پستوهای مخازن کتابخانه دارالکتب در آرد و عطر و بوی نوشته‌های خطی را از عمق جان خود استشمام کند و به آن دل بدهد و عاشق شود و عزم

ایفا کرد؛ آن هم در دوره‌ای که مؤسسه در اوج قدرت و شکوفایی خود قرار داشت، یعنی در زمان مدیریت دکتر صلاح‌الدین المنجد که به «سندباد نسخه‌های خطی» معروف بود. فؤاد سید همچنین اقدام به فهرست‌نویسی از نسخه‌های تصویری کتاب‌هایی کرد که هیأت‌های اعزامی مؤسسه به کتابخانه‌های غرب و شرق جهان تهیه کرده و با خود آورده بودند.

فؤاد سید به سفرهای علمی، از جمله به حجاز و یمن، رفت و با تلاش علمی‌ای که داشت، متخصص تاریخ، جغرافیا و اعلام یمن شد. او همچنین دست به انتشار بخش‌های ارزشمندی از کتاب‌های قدیمی در حوزه میراث مکتوب زد و در نشریات علمی و تخصصی درباره کتاب‌های خطی و تاریخ و نمایه آن مقالات پژوهشی منتشر کرد.

اکنون یکصدمین سالروز تولد او را در حالی گرامی می‌داریم که در آستانه پنجاهمین سالگرد درگذشتش نیز هستیم و یک سالی بیشتر به این مناسبت نمانده است. به همین بهانه باید اشاره کرد که پژوهشگران و نویسندگان بسیاری درباره فؤاد سید نوشته‌اند. از جمله آنها یک کار پژوهشی تمام و کمال است که دانشمند بزرگ دکتر «محمود محمد طناحی» انجام داده است. این اثر رساله‌ای است که از آن پس مبنای نوشتن درباره فؤاد سید قرار گرفته است و بیشتر کسانی که درباره این عالم نسخه‌های خطی و زندگی نامه او نوشته‌اند، همین رساله را مبنای کار خود قرار داده‌اند. درباره او همچنین کسانی چون دکتر «حسین نصار» و نیز فرزند خود او «ایمن فؤاد سید» - محقق بزرگ و استاد تاریخ اسلام - نوشته‌اند، که ما در این نوشتار از همه این کارهای مطالعاتی بهره برده‌ایم.

فؤاد سید عماره روز بیستم اکتبر ۱۹۱۶ م به دنیا آمد. این تاریخی است که همه کسانی که درباره او نوشته‌اند ذکر کرده‌اند، اما فرزندش دکتر ایمن به من گفت که تاریخ ولادت پدر او پانزدهم اکتبر همان سال است. فؤاد سید در «درب الأغوات» در محله «الدرب الاحمر» شهر قاهره به دنیا آمد. پدرش مردی کم‌بضاعت بود و در سال ۱۹۳۲ درگذشت و او را که تنها پسرش بود تنها گذاشت. فؤاد نه عموداشت و نه دایی تا مادرش را که گرفتار مشکلات بیوگی و اداره زندگی شده بود یاری کنند. در چنین شرایطی بود که فؤاد در همان سن کودکی تصمیم گرفت مسئولیتی بر عهده بگیرد که به دوش کشیدن آن برایش

۲. الطنّاحی، ۲۰۰۲: ۷۰-۸۰.

است، آن یکی کار ابن‌حجر است، این دیگری را مقریزی نوشته است. او همچنین اطلاعات فراوان و نام کتاب‌های بی‌شماری را در ذهن داشت.^۴

کوشش در راه خدمت به میراث اسلامی

فؤاد سید به فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی موجود در دارالکتب و مؤسسه نسخ خطی اتحادیه عرب اهتمام ویژه‌ای ورزید، به‌ویژه در دوره‌ای که دکتر صلاح‌الدین منجد مدیریت آن مؤسسه را بر عهده داشت. صلاح‌الدین منجد در این زمینه کاملاً بر فؤاد سید و توانمندی‌های او تکیه کرد. فؤاد سید نیز به آموزش کسانی پرداخت که مؤسسه آنها را برای تصویربرداری از نسخ خطی به کتابخانه‌های مختلف جهان (از جمله در لنینگراد، مسکو، تاشکند، بخارا، سمرقند، تهران، مشهد، پاکستان و هند) اعزام می‌کرد. او همچنین تصویربرداری از نسخ خطی تونس و مغرب و کتابخانه‌های واتیکان و کتابخانه آمبروزیانا (در میلان ایتالیا) و نیز کتابخانه‌های آلمان (از جمله توینگن) را به انجام رسانید. فهرست‌نویسی از آثار خطی کتابخانه سنت‌کاترین از دیگر اقدامات فؤاد سید بود. او همچنین در راه‌اندازی و هدایت کتابخانه شهر اسیوط و بخش عربی انستیتوی فرانسوی آثار شرقی در قاهره و انستیتوی ایتالیایی مطالعات شرق و نیز انستیتوی مطالعات شرق دومینیکن در قاهره مشارکت داشت. این کارها زمینه دیدارش با بزرگان عرصه نسخه‌های خطی در سراسر جهان و دوست شدن با برخی از آنها را فراهم کرد. از جمله این اشخاص، خاورشناس بزرگ لویی ماسینیون و عالم بزرگ عربستان حمد الجاسر و نیز بیشتر پژوهشگران مصر را می‌توان نام برد. این امر همچنین موجب شد او سفرهای فراوانی به نقاط مختلف جهان، از جمله یمن، داشته باشد. او در یمن موفق شد مجموعه‌ای گرانسنگ از نسخه‌های خطی را تصویربرداری کند، که برخی از آنها را نیز به چاپ رساند. او همچنین در انتشار میراث معتزله تخصص داشت.^۵ از جمله نتایج این تلاش‌های او، تهیه تعدادی فهرست بود که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴. الطناحی، ۲۰۰۲: ۷۲.

۵. نصار، ۲۰۱۰م: ۹۱.

خود را برای کسب مهارت در این زمینه جزم کند؛ هنری که تبحر یافتن در آن جز با برخورداری از نعمت صبوری و اراده‌ای قوی ممکن نیست. در این دوران، شخصیت‌های علمی بسیاری به انتشارات دارالکتب رفت و آمد داشتند و این فرصتی بود تا فؤاد سید از آنان چیزهای بسیاری بیاموزد، شخصیت‌هایی که هستی خود را وقف خدمت به میراث جهان عرب کردند و آثار گران‌بهایی را با روش علمی ممتاز ارائه دادند. از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تفسیر القرطبی، الاغانی نوشته ابوالفرج اصفهانی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة نوشته ابن تغری بردی و نهاية الأرب فی فنون العرب نوشته النوری. این آثار با دقیق‌ترین درجه ضبط و تصحیح، آماده و منتشر شد. از جمله شخصیت‌هایی که آن روزها دارالکتب مملو از آنان بود می‌توان به عبدالرحیم محمود، زکی عدوی، حسن حسین، عبدالمجید اقدمی و محمود امام اشاره کرد. همچنین باید از محمود عبدالرسول یاد کرد که قدیمی‌ترین و باتجربه‌ترین فهرست‌نویس دارالکتب بود و کلام و نظرش در حوزه نسخه‌های خطی، بر همگان حجت بود. فؤاد سید شیفته او شد و ارتباط محکمی با او برقرار کرد و بسیار از او آموخت.^۳

در این دوران، فؤاد سید ناچار بود برای کسب درآمد به نسخه‌برداری از کتاب‌های خطی برای پژوهشگران و خاورشناسان بزرگ بپردازد؛ همین امر سبب شد به لرزش دست دچار شود، درست مانند آنچه علامه شهاب‌الدین نویری (د. ۷۳۳ق) صاحب نه‌ایه الارب بدان دچار شد. دستان وی نیز به دلیل کثرت نسخه‌برداری از کتاب‌های خطی رعشه گرفت؛ همچنین کسانی چون یاقوت رومی «حموی» (د. ۶۲۶ق) صاحب معجم البلدان و نیز یاقوت مستعصمی (د. ۶۹۶ق) که مطابق آنچه ابن تغری بردی و دیگران گفته‌اند، خطی شگفت‌انگیز داشت و شهرتی در شرق و غرب یافته بود. البته فؤاد سید به برکت همین نسخه‌برداری‌ها به مهارتی دست یافت که بتواند خط‌های مختلف مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی را با استناد به نوع جوهر و ضخامت کاغذ و شیوه نگارش آنها از هم تشخیص دهد، و حتی از روی خط پی به نویسنده آن ببرد. به عنوان مثال می‌گفت این خط از آن صفدی

۳. نصار، ۲۰۱۰م: ۹۰؛ فؤاد سید، ۱۹۹۶: ۱۰۸.

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شروط المؤرخ فی کتابه التاريخ (شامل مجموعه‌ای از فتاوی برخی از علما که رعایت ضوابط جرح و تعدیل به وسیله مورخان برای نگارش تاریخ را ضروری دانسته‌اند). این اثر در سال ۱۹۵۷م در مجله مؤسسه نسخ خطی اتحادیه عرب (معهد المخطوطات بجامعة الدول العربیة) منتشر شد. همچنین تصحیح إعارة الكتب عند الأقدمین که شامل دو متن قدیمی از یزیدی و سیوطی است و در ماه مه ۱۹۵۸م منتشر شده است. او همچنین شمار فراوانی مقاله برای مجله المكتبة عراق (متعلق به «قاسم الرجب») فعال مشهور عرصه کتاب نوشت.

تحقیق و تصحیح شمار زیادی از آثار ارزشمند و منحصر به فرد در حوزه میراث، از دیگر نقاط درخشان کارنامه فؤاد سید است. از جمله این موارد می‌توان به طبقات الأطباء والحکماء از ابن جلجل ابی سلیمان بن حسان اندلسی اشاره کرد. این کتاب یک سند نادر و مهم در تاریخ علم و روند توسعه نهضت تألیف و ترجمه در قرن چهارم هجری به شمار می‌رود، عصری که در آن تمدن اسلامی شاهد شکوفایی بود و به اوج توان تولید در حوزه‌های مختلف علم و ادب رسید. اهمیت این کتاب همچنین به این موضوع باز می‌گردد که مؤلف در استفاده از منابع ترجمه شده به عربی، برای نخستین بار از کتاب‌های ترجمه شده از زبان لاتین استفاده کرده است. او در این باره می‌نویسد:

همیشه عادت کرده‌ایم که بیشتر کتاب‌هایی که اعراب یا دیگر مترجمان از زبان‌های دیگر به زبان عربی آورده‌اند، ریشه یونانی داشته است و تعداد کمی از آنها نیز از زبان‌های فارسی و سریانی و هندی آمده است؛ اما تاکنون کتابی نمی‌یافتیم که از منابع لاتینی ترجمه شده باشد و شاید این کتاب از نخستین کارها در این خصوص باشد که نقل قول‌های ترجمه شده از منابع لاتین را نقل می‌کند.^۷

می‌دانیم که کتاب طبقات ابن جلجل کهن‌ترین کتاب در اندلس در موضوع مورد بحث ماست؛ اما کاری که فؤاد سید انجام داد و در واقع کار ابن جلجل را تکمیل کرد، تحقیق و تصحیح کتابی در زمینه مشرق اسلامی بود. این کتاب تاریخ الاطباء والفلاسفة نام دارد و نوشته اسحاق بن حنین (د. ۲۹۸ق) است. او این کتاب را به عنوان ضمیمه طبقات ابن جلجل منتشر کرد. این اثر همان کتابی است که پس از آن هر کس قصد نوشتن تاریخ علم داشته،

۷. ابن جلجل، ۱۹۸۵: مقدمه مصحح.

۱. تهیه فهرست نسخ خطی در زمینه دانش «مصطلح الحدیث» (علم درایه) مطابق با روش علمی دقیق و مفصل برای نخستین بار در دارالکتب. این اثر در ۱۹۵۶م منتشر شد.
۲. فهرست کردن تازه‌های نشر در زمینه نسخه‌های خطی که مرتباً به کتابخانه می‌رسید، و نسخه‌های تصویربرداری شده نسخ خطی.
۳. تهیه فهرستی از همه کتاب‌های خطی که از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۵م به مخازن کتابخانه دارالکتب اضافه شد. این فهرست شامل نزدیک به هشت هزار جلد کتاب و رساله است و در سه بخش تهیه شده است: بخش نخست (أتاس)، منتشر شده در سال ۱۹۶۱م؛ بخش دوم (ش تال) در سال ۱۹۶۲م؛ بخش سوم (م تال) در سال ۱۹۶۳م.
۴. انتشار فهرستی از اطلاعات مربوط به تألیفات ابن سینا و شرح‌هایی از آن که در دارالکتب وجود داشت. این کتاب در سال ۱۹۵۰م به مناسبت هزارمین سال میلاد ابن سینا منتشر شد.
۵. تهیه فهرست‌های مختلف در مؤسسه نسخ خطی در سال ۱۹۵۳م، پس از این که به عنوان کارشناس به آنجا مأمور شد. همچنین تهیه یک فهرست عمومی از آثار موجود در مخزن مؤسسه در سال ۱۹۵۴م و فهرست دیگری در زمینه علم تاریخ که در دو جلد به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۵۹م نشر یافت.^۶

آثار علمی فؤاد سید

فؤاد سید با خلق آثار متعدد و ارزشمند سبب غنای هر چه بیشتر کتابخانه‌های عربی شد؛ آثاری که او را در کنار پژوهشگران بزرگ و علمای نسخه‌های خطی و سایر حوزه‌های میراث جهان عرب نشانند، کسی که خود برجسته‌ترین کارشناس حوزه میراث بود. آثار او در زمینه‌های متنوعی قرار می‌گیرد؛ گستره‌ای از کارهای پژوهشی در حوزه‌های تخصصی و فرهنگی، از جمله انتشار مجله مؤسسه نسخ خطی عرب‌زبان (معهد المخطوطات العربیة) که در آن نتایج مطالعات پژوهشی مهم و بسیار ارزشمندی منتشر می‌شد. از جمله اینگونه آثار او

۶. الطناحی، ۲۰۰۲: ۷۴-۷۵؛ فؤاد سید، ۱۹۹۶: ۶۸.

آن را مبنا قرار داده است؛ کسانی چون ابن ندیم و قفطی و ابن ابی أصیبعه و سجزی.^۸

تحقیق و تصحیح کتاب طبقات فقهاء الیمن از ابن سمره جعدی (د. ۵۱۶ق) از دیگر کارهای اوست. این کتاب یکی از آثار علمی ارزشمندی است که او در جریان نخستین سفر خود به یمن در سال ۱۹۵۱م با خود آورد. این اثر از کهن‌ترین تألیفات موجود در این زمینه در یمن است. نویسنده در این کتاب، همه مطالب مربوط به علم تراجم از زمان فتح اسلامی در یمن تا عصر خویش را گردآوری کرده است. همین کتاب است که در آثار پس از خود در زمینه طبقات و تراجم به عنوان منبع اساسی مورد استفاده قرار گرفته است. فؤاد سید همچنین اقدام به تحقیق و تصحیح کتاب‌های دیگری نیز کرده است. از جمله این کتاب‌ها الوسیط فی تراجم أدباء شنقیط نوشته احمدین الامین الشنقیطی (د. ۳۳۱ق) و العیتر فی خبر من عبر اثر حافظ ذهبی (د. ۷۴۸ق) است. کتاب دوم در واقع مختصری است از دایرة المعارف بزرگ تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام که فؤاد سید جزوهای دوم و سوم آن را تحقیق و تصحیح کرد و در کویت در سال ۱۹۶۱م به چاپ رسانید. همچنین در این زمینه باید از تحقیق و تصحیح کتاب العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین اثر تقی‌الدین فاسی (د. ۸۳۲ق) یاد کرد. این کتاب بزرگترین دایرة المعارف در زمینه تاریخ مکه است. کتابی مانند آنچه که خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق نگاشته‌اند. فاسی در این دایرة المعارف به تاریخ مکه و اعلام آن پرداخته است. اعلام در این اثر شامل عالمان، فقیهان، شاعران و دیگر شخصیت‌هایی است که مکی بودند یا به مکه رفت و آمد داشتند یا در آن سکونت گزیدند. فؤاد سید جزوهای دوم تا هفتم از این دایرة المعارف را تحقیق و تصحیح کرد، اما مهلت نیافت جزو هشتم آن را به پایان ببرد. او همچنین در نظر داشت ذیل العقد اثر ابن فهد فاسی شاگرد فاسی بزرگ را نیز تحقیق و تصحیح کند.^۹

روشی که فؤاد سید در جریان تحقیق و تصحیح آثار مربوط به میراث به کار می‌گرفت، چنین بود که ابتدا یکی از

متونی را که عرصه کتاب در جهان عرب به انتشار آن نیاز داشت و خلأ آن احساس می‌شد، برمی‌گزید و سپس اقدام به جمع‌آوری همه نسخه‌های خطی موجود از آن می‌کرد و آنها را به ترتیب از نظر زمان نگارش، مورد مطالعه قرار می‌داد و روند مقارنه و مقایسه و مستندسازی و حلّ موارد ابهام آن را انجام می‌داد، همچنین به بررسی محتوای متن می‌پرداخت و برای آن نمایه‌سازی می‌کرد.

فؤاد سید شیفته کتاب بود و برای خود کتابخانه‌ای فراهم کرد که حاوی آثار ارزشمندی از نسخه‌های خطی و نسخه‌های چاپی کمیاب بود و تعداد آن به ۳۵۰۰ نسخه می‌رسید. بعدها آثاری که مورد استفاده دو فرزندش ایمن و احمد بود، نگه داشته شد و بخشی از کتاب‌ها نیز به انستیتوی جهان در پاریس منتقل شد.^{۱۰}

نظرات دیگران درباره فؤاد سید

محمد عبدالجواد در کتابش به نام تقویم دارالعلوم می‌نویسند:

بیش از ربع قرن پیش به دارالکتب مصر رفته بودم و دنبال یک موضوع در حوزه زبان می‌گشتم. بین کارکنان انتشارات با پسر جوانی بیست و چندساله آشنا شدم. مسئول انتشارات از آن جوان خواست تا مرا راهنمایی کند و اینگونه شد که من با شخصی مطلع و صاحب‌دانش در موضوع مورد نظر خود مواجه شدم. او ضمن پاسخگویی به سؤالات بنده، مجموعه‌ای از منابع قابل رجوع در این خصوص را نیز به من معرفی کرد به گونه‌ای که واقعاً از توانایی او شگفت‌زده شدم و آرزو کردم دارالکتب در میان کارکنان خود چند جوان دیگر مثل این فرد داشته باشد تا مراجعه‌کنندگان را به خوبی راهنمایی کنند؛ افرادی که من به آنها «فهرست‌های سخنگو» می‌گویم.

عبدالجواد در ادامه و پس از ذکر کتب و آثار فؤاد سید، می‌نویسد:

فؤاد را - در تحقیق و تصحیح «ح» (منظور کتاب طبقات الاطباء والحکماء است) - می‌بینید که همچون علمای بزرگ ظاهر می‌شود، که به ریزترین نکات و حقیقت‌های تاریخی و سیره و طبقات کاملاً اشراف دارد. او همچنین در زمینه موضوعات مورد نظر برای جست‌وجو در منابع، بسیار اطلاعات گسترده و تسلط خوبی داشت و به درستی ابعاد صحت و استناد آن را می‌یافت. در موضوعات لغوی و تحقیق نام‌ها و

۸. همان: مقدمه مصحح، ۱۴۳.

۹. الطناحی، ۲۰۰۲: ۷۸.

۱۰. العالونه، ۲۰۱۱م: ۱۶۰.

و شریفی که به دست او در این زمینه‌ها پرورش یافته‌اند؛ افرادی چون محمود طناحی، عبدالفتاح حلو و پسرش ایمن. من وقتی به کارنامه فؤاد سید و دستاوردهای او می‌نگرم چیزی جز پشتکار، استواری، دقت و صحت در ضبط و عشق به نشر علم نمی‌یابم.^{۱۴}

درگذشت

فؤاد سید یک عمر تلاش کرد و کارنامه‌ای سرشار از موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگ به جا گذاشت. این دستاوردها حاصل صرف دقیقه دقیقه عمر او در راه انجام کارهای علمی و بخشیدن و نشر آن بود. فؤاد سید سرانجام در روز یکشنبه دوم رمضان سال ۱۳۸۷ قمری (سوم دسامبر ۱۹۶۷ میلادی) دار فانی را وداع گفت و این فضیلت الهی نصیب او شد که در ماه مبارک رحلت کند. مرگ او مصر و جهان عرب را از یک عالم بی‌همتا محروم کرد، عالمی که چه سال در عرصه نسخه‌های خطی تلاش کرد و به تحقیق، تدریس، فهرست‌نویسی و نگارش کتاب پرداخت. با مرگ او تجربیات گرانسنگ و عظیمی از دست رفت. از جمله کارهایی که او در دست داشت و می‌خواست منتشر کند، تعدادی کتاب نفیس بود. از جمله این کتاب‌ها یکی *نزهة المشتاق فی اختراق الأفاق* اثر ادریسی بود، که یکی از مراکز خاورشناسی در ایتالیا قصد چاپ این دایرةالمعارف در زمینه جغرافیا را داشت و تحقیق و تصحیح بخش مربوط به یمن را به فؤاد سید واگذار کرده بود. فؤاد سید همچنین در نظر داشت به تحقیق و تصحیح کتاب *طبقات المفسرین* نوشته داودی از شاگردان سیوطی (د. ۹۳۰ ق) بپردازد. این کتاب نخستین بار از سوی دکتر علی محمد عمر در سال ۱۹۷۲م به زیور طبع آراسته شد. همچنین کتاب *فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة* اثر قاضی عبدالجبار که جزء آثار نفیسی بود که از یمن به همراه خود آورده بود و قصد تحقیق و تصحیح و انتشار آن را داشت.^{۱۵}

اصطلاحات نیز توانمندی شگفت‌انگیزی داشت؛ این که درباره نام‌ها و اصطلاحات علمی در زبان‌های دیگر، از زبان یونانی و لاتین گرفته تا زبان‌های فرانسوی و آلمانی و ترکی و... با اطمینان سخن می‌گفت و درباره هر کدام نکات ضعف و قوت را بیان می‌کرد.^{۱۱}

شیخ محمد زاهد کوثری در شب جمعه ۲۰ رمضان ۱۳۷۴ق آخرین اجازه علمی‌ای که برای شاگردانش صادر می‌کرد را برای فؤاد سید صادر کرد و در متن اجازه خود آورد:

استاد فاضل و پژوهشگر بسیار آگاه، فؤاد سید عماره - که خداوند همواره همراه و یار و یاورش باشد - از من استعجازه کرده‌است. در پاسخ به این درخواست و از آنجا که او نسبت به بسیاری از تألیفات بنده آگاهی و شناخت کافی دارد و حدیث مسلسل «الرحمة»^{۱۲} نخستین حدیثی است که از من شنیده‌است، بر این اساس نقل از خود و در همه آنچه که خود می‌توانم روایت کنم یعنی حدیث، تفسیر، فقه، اصول‌فقه، مفاهیم و اصطلاحات، تاریخ و حکمت، و زبان عربی را به او اجازه می‌دهم.^{۱۳}

دکتر خالد فهمی مدیر سابق دارالکتب المصریه و کارشناس فرهنگستان زبان عربی می‌گوید:

فؤاد سید - رحمة الله علیه - به تنهایی یک امت بود. این سخن دلایل بسیار دارد و اندکند کسانی که امروز از این دلایل آگاه باشند. او عالمی متعلق به امت بود، قدر و منزلت میراث امت را که حاصل تلاش علمای بزرگ در دوران حاکمیت رویکرد اسلامی بود، می‌شناخت. او پژوهشگری با سبکی منحصر به فرد بود که سهم عمده‌ای از تربیت و تعلیمش درونی و خودجوش بود. او نابغه‌ای بود که مجموعه‌ای از استعدادها و مواهب در ابعاد مختلف را در خود جمع کرده بود. از جمله این ابعاد می‌توان به چند مورد اشاره کرد: فؤاد سید یکی از پیشگامان واقعی در زمینه فهرست‌نویسی نسخ خطی است. او در تحقیق و تصحیح آثار میراث معتزله و به ویژه میراث یمن کوشش‌های ستودنی‌ای نمود. در نسخه‌شناسی زبان عربی صاحب نظر بود. در آموزش عکس‌برداری از متون خطی و فهرست کردن آنها تخصص وافر داشت و چه بسیار جوانان مستعد

۱۱. عبدالجواد، ۱۹۵۹: ۱۶۴-۱۶۶.

۱۲. حدیث نبوی: الراحمون یرحمهم الرحمن، إرحموا من فی الأرض یرحمکم من فی السماء. مترجم
۱۳. الکوثری، بی تا: ۵۴۲.

۱۴. نامه دریافتی نویسنده از دکتر خالد فهمی استاد زبان و ادبیات در دانشکده ادبیات المنوفیه مصر.
۱۵. الطنحی، ۲۰۰۲: ۸۰.



فؤاد سيد، عالم و متخصص نسنخه هاى خطى و فهرست نويسى

منابع

- ابن جلجل (۱۹۸۵م). طبقات الأطباء والحكماء. تحقيق فؤاد سيد. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- الطناحى، محمود محمد (۲۰۰۲م). مقالات العلامة الدكتور محمود محمد الطناحى. بيروت: دار البشائر الاسلامية.
- عبدالجواد، محمد (۱۹۵۹). تقويم دارالعلوم. ملحق العدد الماسى. القاهرة.
- العلاونة، أحمد (۲۰۱۱م). العلماء العرب المعاصرون و مآل مكتباتهم. بيروت: دار البشائر الاسلامية.
- فؤاد سيد، أيمن (۱۹۹۶م). دارالكتب المصرية تاريخها وتطورها. قاهره: دار أوراق شرقية.
- الكوثرى، محمد زاهد (بى تا). مقالات الكوثرى. القاهرة: المكتبة التوفيقية.
- نصار، حسين (۲۰۱۰م). «فؤاد سيد آية مجتمع طموح». محاضرات الموسم الثقافى بدار الكتب المصرية، الموسم العاشر، إعداد حسام عبدالظاهر و محمد ابوالعز عبده.

